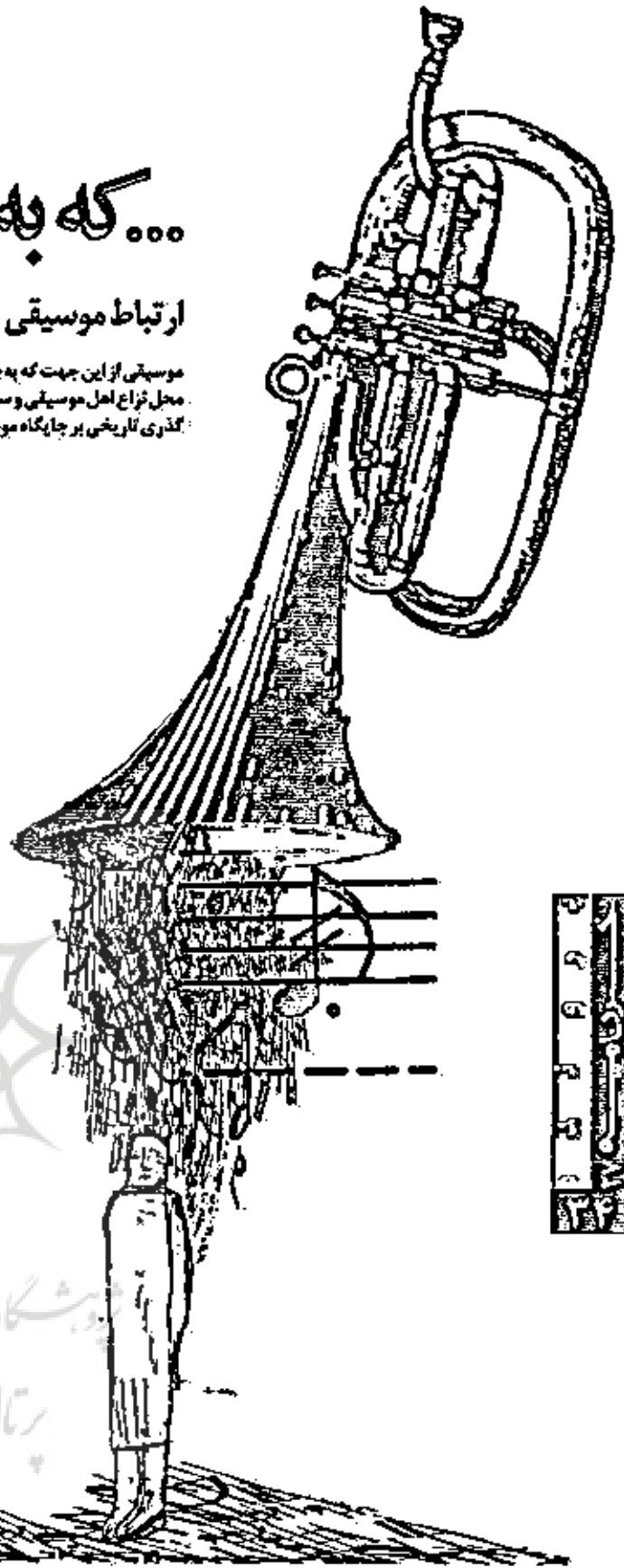


# ... که به یک جای نشکفند به هم

## ارتباط موسیقی و سیاست

موسیقی از این جهت که به جز موازین سیاسی و قدرت حاکمه، شروع و عرف شرعی نیز گاه در مقابل آن موضع گیری‌هایی داشته است، همیشه محل نزاع اهل موسیقی و سیاست و شرع بوده است. این مواجعه آن گاه که حکومت دین باشد، رنگ عینی تری به خود می‌گیرد. مقاله حاضر با گذری تاریخی بر جایگاه موسیقی از دوران صفویه و قاجار تا زمان حال، به بخش‌هایی از این مواجعه اشاره می‌کند.



نخبگان مذهبی باشند. بیشتر تحت تاثیر خویش و اعمال قدرت مومنان مذهبیون بوده که موسیقی و موسیقی‌دان را معلوماً به حالتی واقع در موقعیت تحقیر رو به تفکر، خواسته و از آنها استفاده ایزاری کرده‌اند و تحقیقات نگارنده که هنوز منتشر نیافته، بیان می‌کند که نشانه‌شناسی این نوع رفتار، پیش از آنکه دینی و «اسلامی» باشد، بسیار عرفی و ایرانی است و سابقه آن به سال‌ها پیش از ظهور اسلام در ایران برمی‌گردد. نگاهی به موقعیت موسیقی و موسیقی‌دان در کشورهای اسلامی (چه در حوز معانی که بنای رفتارشان از بن، مبتنی بر تکی و طرد موسیقی است و چه در حوز معانی که تولید افواج موسیقی در نوع شکوفایی است) نشان می‌دهد که موقعیت این هنر در ایران، تاچه قدرته از سرشت متضاد و غیر قابل پیش‌بینی و دوگانگی ژرفی برخوردار است و مضامینی در هیچ کدام از کشورهای شرقی و غربی ندارد. نکته دیگر اینکه تنها بخشی محدودی از این موضوعگیری و شش‌صد تارپشی و وابسته به عنایت نامودا گاه جمعی از طریق ارباب سیاست به ظهور می‌رسد و نظر به خدیت پنهان و عیبگسی هلت به دولت‌های حاکمه‌شکن، نمی‌توان خواست‌ها و اعمال اهل سیاست را تا بهی مستقیم از خواست توده‌های مردم بدلفکت و از آنها نتیجه‌گیری کرده چه بسا برای بررسی واقع‌بینانه باید عمل‌ها و عکس‌العمل‌های مردم را در مخالفت درونی یا دولت‌ها در نظر گرفت و به قول هندسه‌دانان، از هر عکس قضیه «نتیجه‌گیری کرد. افرادی که در سال‌های قبل از انقلاب زندگی کرده‌اند خوب به یاد دارند که در زمان حکومت لایک پهلوی ده‌ها آن همه آزادی عمل و امکانات برای رشد موسیقی در بخش دولتی و خصوصی، بیشتر طبقات مختلف مردم صلاست به این هنر، نظر خوشی داشتند و موضع هوام‌تانی، در قبال این هنر و عاملانش، اگر از امروز، بسته‌تر و خشک‌تر نبود، حداقل بازتر و لطیف‌تر پذیرفته می‌نمودند. تعداد قابل توجه سازهایی که در حال حاضر در منازل طبقات مختلف مردم پیدا می‌شود ۴۰۰ سال پیش از امروز غرب و غیر قابل تصور به شمار می‌رفت.

(مجموعه یادگار و هر ساله تجدیدی در کتابت موسیقی، چاپ تهران، ۱۳۱۷ شمسی). نکته‌ای که نباید اینجا از نظر بیفتد، جنبه رسامی موسیقی است که عمل و عکس‌العمل اهل سیاست را - چه با کلام و چه بدون کلام - برمی‌انگیزد البته این وجه «کلامی» موسیقی است که بیشتر مورد نظر سیاستمداران و سیاست‌گزاران قرار می‌گیرد یعنی آن بخشی که بیشتر به عهده شاعر و ترانه‌ساز (به عنوان عامل ایجاد پیام) و خواننده آواز خوان (به عنوان حامل پیام) است. آهنگساز (و نوازندگان) در این منظر، مورد توجه نیستند و نقش آنها از حد یک کاتگوری فراتر نمی‌رود. سیاست‌گزاران چاشمه چهل‌تکه و در هم جوش ایرانی، از ۱۴ قرن پیش تاکنون، اکثراً در گیر یا همین نوع انتخاب بوده‌اند. تنها بخش شریعت‌مدار نظام‌های سیاسی در ایران بوده که جنبه‌های کل‌گرا یا به موسیقی بی‌کلام را نیز می‌شناخته، توجه کافی و واقعی به مقصود خویش نداشته و نسخه آن را هم پیچیده است چرا که شریعت‌گزاران، به عنوان افرادی که پیش از دیگر قشرها آگاه و حاکم و خیل در لایه لایه زندگی مردم بوده‌اند نمی‌توانند و نباید به این کار که در عطفی و احساسی، ژرف بی‌توجه باشند و کوبند. نظم را این طور به حال خود رها کنند، به این ترتیب که ارتباط بین سیاست و سیاست‌گزاران (چه عرفی و چه فقهی) یا موسیقی و موسیقی‌دانان در چند ساحت، سه‌روز و «اشکبارگی» می‌یابند. ساحت زمان، ساحت مکان و ساحت زبان. در این مقاله کوتاه، نخست دورنمایی از منظر تاریخی بر خیزد با موسیقی‌دانان در فرهنگ ایرانی ارائه می‌شود و بعد به طور مختصر، بر خورد موسیقی با سیاست در سال‌های اخیر، در عرصه زبان و موضع افغان، موسیقایی (ترجین‌نویزی موسیقی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گذری سریع از منظر تاریخی در تقسیم‌بندی‌های تاریخ‌نویسی معاصر، دوره دو هزار و چند صد ساله تاریخ مجموعه دائم‌التغیری به نام «ایران» را به چند دوره تقسیم کرده‌اند. بهمان (از نخستین حکومت‌ها تا انقراض ساسانیان) قدیم (که به ۴ دوره تقسیم می‌شود) از ورود اسلام به ایران تا حمله مغول، از مغول تا صفویه و از صفویه تا اوایل (اواخر) و معاصر (که از ابتدای دوره فتح‌مشهد آغاز می‌شود و به سال‌های اخیر ختم می‌شود). تاریخ تحول هنر موسیقی در این قرون متملای، گاه مقاطع پر کار و پر خشکی را متملای داده، گاه کم‌رنگ و در بسیاری از مقاطع ملولانی سده‌ها بی‌رنگ و بی‌صنوبر بوده‌اند. تعدادی از مورخان، علت این پس‌پراکنگی، افغان و فغان را آسوب فقم تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران تلقی می‌کنند و آفتاب‌های مذهبی بر آمده از شریعت اسلام را عامل آن می‌دانند. نظر به صفحات محدودی که برای این یادداشت در اختیار نویسنده است و با توجه به اینکه نباید بحث در منظر تاریخی، و چه غالب این مقاله باشد، به طور خیالی خلاصه و کلی، باید گفت که وضعیت موسیقی در ادوار مختلف تاریخ ایران، به طور مستقیم و فقم، بیش از اینکه زیر سلطه احکام

این رویارویی، مربوط است به سال ۱۳۰۷ و دوره اوج رونق ضبط صفحه‌های گرامافون، به کلام شجرای ترقی‌خواه و اهل جمع و خوانندگانی که به یاری تکنولوژی سریع‌التغیر این سیستم، صدایشان تا دورترین کوره‌جهات پهنه‌خنده‌ها و قنرونی‌های منازل ایران آن عصر می‌رفت. صفحه گرامافون، حامل صدای خود و صدای حامل کلام و کلام، حاصل پیام، طبعی بود که این مسرور، از چشمتیزین مشهوران اصل حضرت قدر قدرت پهلوی اول، دور نماند و قرار شد برای «اصلاح» آن چاره‌ای بپنداشند. اولین نظامنامه کنترل اشعار در صفحات گرامافون، مربوط به دوره رضایت محمدخان در گاهی هم‌زمان با نخستینوزیری مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) است که خود اهل موسیقی بود و آخرین کتاب نظری موسیقی قدیم ایرانی، از گردآوری‌ها و نوشت‌بته‌های اوست.

بسیار غیرعادی می‌رود علی‌رغم آنکه موسیقی (به عنوان یک هنر، از نوع تجریدی یا کل‌گرا، عطفی) با سیاست (به عنوان یک رشته از علوم اجتماعی) با کارکرد منطقی، تجربی، از حوز معانی است که بیشتر وارد بحث شفاهی و بسیار کمتر وارد اسناد نوشتاری شده است. در ایران، باید اولین اسناد نوشتاری آرشیه‌های مربوط به زمان‌های بسیار نزدیک - بسته زمانی که اولین دولت مدرن در ایران با روحیه نظامی‌گری روی کار آمد و در ۱۶ سال، حکومت مطلقه توسط مشاوران کارآمدی که داشتند به میزان نفوذ و کارکرد موسیقی در ذهن عامه مردم - به عنوان یک اهرم قوی - بر برد و سعی کرد برای آن به‌کار می‌بندیدند که تا چهل و تسریع در اهداف دولت علیه، یا در پی داشته باشد. اولین سند‌های اداری مربوط به

با این فرض، می‌توان رابطه موسیقی‌دان‌ها با سیاست روزگار خود را بر این‌صورتی از ارتباط با مردم، با حاکمیت و با مردم و حاکمیت دانست. این «ارتباط» دو گانه باید گفت: بی‌ارتباطی یک‌سویه ثابت و بدون تغییر داشته است و آن بی‌ارتباطی ذاتی این هنر و عاملانش، نزد توده‌های مختلف مردم و حاکم‌شان بوده است. این بی‌ارتباطی به معنی نبودن کامل یا حذف آن نبوده، حتی دیده شده و می‌شود که مقتدان رشد موسیقی، از کاربدها و نیروی نوازندگان نهایت استفاده را می‌برند و همان‌طور که از وی نمی‌بینند پس‌لای از نیروهای شریعت‌ساز را از حوز جمله حذف کنند به موسیقی نیز با همون دیده می‌نگرند. نمود ثابت و آشکار این برخورد معلوم در سیر تاریخ را می‌توان در حفظان‌های دائم برای



روشگاه علوم انسانی  
رتال جامع علوم انسانی

